اخبار خاورمیانه

ادامه نقض آتش‌بس در جنوب لبنان

شرق: اسرائیل همچنان به نقض آتش‌بس در جنوب لبنان ادامه می‌دهد و در همین رابطه تری رودلارسن نماینده سازمان ملل نسبت به «خلاء امنیتی» در این منطقه هشدار داده است. روز گذشته منابع امنیتی لبنان اعلام کردند نیروهای اسرائیلی دو شهروند لبنانی را ربوده و به طرف آنان شلیک کرده‌اند. شبکه الجزیره در این رابطه گفت برخورد یک تانک اسرائیلی با مین موجب شد تا یک سرباز اسرائیلی کشته و سه تن دیگر مجروح شوند. در پی این حادثه اسرائیلی‌ها چهار گلوله توپ به طرف روستاهای جنوب لبنان شلیک کردند. در ادامه این ماجرا نیروهای اسرائیلی وارد محور الطیبه- القنطره شده و دو لبنانی را ربودند. این حوادث در حالی اتفاق می‌افتد که نماینده سازمان ملل می‌گوید شرایط کنونی در جنوب لبنان پیچیده و خطرناک است. زیرا تا زمان استقرار نیروهای بین‌المللی یا ارتش لبنان که ممکن است دو ماه دیگر طول بکشد این منطقه شاهد یک «خلاء امنیتی» است. دیروز طرف‌های بین‌المللی در بروکسل گرد آمدند تا در مورد میزان و نحوه نیروهای اعزامی گفت‌وگو کنند. قرار است فردا (جمعه) نیز این نشست‌ها ادامه داشته باشد. در یک خبر مهم دیگر سازمان عفو بین‌الملل دیروز اسرائیل را به خاطر تعمد در حمله به غیرنظامیان در طول جنگ اخیر لبنان سرزنش کرد و افزود: این رژیم احتمالاً به خاطر ارتکاب جنایات جنگی مقصر است. در یک خبر دیگر بنابر اعلام رسمی لبنان، آمار شهدای حملات اسرائیل از ۱۲ ژوئیه تاکنون به ۱۰۷۲ نفر و ۴۰۶۰ مجروح می‌رسد.

هشدار بشار اسد

فارس: رئیس جمهور سوریه درباره استقرار نیروهای بین‌المللی در مرز میان سوریه و لبنان هشدار داد و گفت: این امر حالت دشمنی بین دو کشور همسایه ایجاد می‌کند. بشار اسد در گفت‌وگو با تلویزیون دبی اظهار داشت: استقرار نیروهای بین‌المللی موضعی خصمانه به شمار می‌آید و میان سوریه و لبنان دشمنی ایجاد می‌کند. وی گفت: این مسئله حاکمیت لبنان را از بین می‌برد و موضعی خصمانه می‌آفریند. اسد با اشاره به احتمال استقرار نیروهای بین‌المللی در کنار ارتش لبنان در مرزهای لبنان و سوریه براساس قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل این مطالب را بیان کرد. ایهود اولمرت نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی روز گذشته لغو محاصره دریایی و هوایی لبنان را با استقرار نیروهای بین‌المللی در مرزهای لبنان و سوریه و در فرودگاه بیروت مرتبط دانست. براساس قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار است ۱۵ هزار صلح‌بان بین‌المللی برای نظارت بر آتش‌بس در جنوب لبنان مستقر شوند.

جلسه سوم دادگاه صدام

ایرنا: سومین جلسه محاکمه صدام درخصوص حادثه الانفال دیروز در دادگاه عراق آغاز شد. به گزارش شبکه تلویزیونی الجزیره در این دادگاه که ریاست آن را قاضی «عبدالله العامری» بر عهده دارد تمامی هفت متهم از جمله صدام حاضر شده و با گوشی‌های ترجمه به اظهارات یک زن کرد از اهالی روستای «بالیسان» که در سال ۱۹۸۸ روستایش توسط هواپیماهای عراقی بمباران شد گوش دادند. این زن در طول جلسه به بیان خاطرات تلخ آن زمان و تاثیر مخرب مواد شیمیایی که بر سر اهالی روستایش ریخته شد پرداخت. این شاهد در ادامه فهرستی از اسامی کسانی را که در آن زمان به دست نیروهای عراقی کشته شده بودند نشان داد که به گفته وی این فهرست شامل اسامی ۲۵ تن است. پس از اظهارات این شاهد برای اولین بار علی حسن مجید معروف به «علی شیمیایی» از متهمان اصلی این پرونده سخن گفت و ضمن اینکه با احترام خاصی نسبت به این زن سخن می‌گفت وی را خواهر محترم خطاب قرار داد. وی همچنین از کردهای عراق به عنوان «برادران کرد عراقی» یاد کرد. از سوی دیگر دولت منطقه کردستان عراق از دولت عراق خواست تا به قربانیان نظام صدام در جنایت الانفال خسارت بپردازد. دولت کردستان همچنین اجرای ماده ۱۴۰ قانون اساسی درباره کرکوک و بازگشت مردم به مناطق‌شان را خواستار شد. همچنین جلال طالبانی رئیس جمهور عراق برای حضور در دادگاه صدام و ارائه شهادت خود درخصوص قضیه «انفال» یا نسل‌کشی کردها اعلام آمادگی کرد. جلال طالبانی در جمع خبرنگاران گفت: در صورتی که از او خواسته شود آماده است تا در قضیه انفال شهادت خود را بر ضد صدام ارائه کند. وی ادامه داد: دادگاه صدام به عامل وحدت ملی بین تمامی گروه‌های اجتماعی عراق تبدیل شده و برای جهان ثابت خواهد کرد که روابط بین کردها و عرب‌ها به بهترین نحو آن جاری است.

بازرسی محل اقامت رئیس جمهور اسرائیل

ایسنا: پلیس اسرائیل محل اقامت موشه کاتساو را مورد بازرسی قرار داد و سیستم‌های کامپیوتری موجود در مقر وی را مصادره کرد. به نوشته روزنامه السفیر پلیس رژیم اسرائیل بعد از بازرسی کامل منزل موشه کاتساو رئیس جمهور رژیم صهیونیستی و مصادره کامپیوترهای موجود در مقر او دیروز رسماً درخصوص اتهام سوءاستفاده جنسی او از دو کارمند دفترش وی را مورد بازپرسی قرار داد. سخنگوی پلیس رژیم اسرائیل اظهار داشت: پلیس پست الکترونیکی ویژه او را به منظور جمع‌آوری مدارک مبنی بر وجود روابط نامشروع میان او و دو کارمندش که علیه او اقامه دعوی کرده‌اند نیز کنترل کرده است. خبرنگار الجزیره نیز اعلام کرد تحقیقات چندساعته از کاتساو آغاز شده است و به احتمال زیاد جلسات دیگری نیز برای تکمیل تحقیقات تشکیل خواهد شد. این در حالی است که کاتساو تمام ادعاهای دو کارمندش را رد کرده است.

در آگهی مناقصه B-۸۵/۲۰ شرکت ارتباطات زیر ساخت
آدرس اینترنتی
WWW.TIC.IR
صحیح می‌باشد که بدین وسیله اصلاح می‌گردد.

اختناق لطیف

ترزا باند*

ترجمه: سارا معصومی

فیدل کاسترو درست در روزی که ایالات متحده حملات خود به عراق را آغاز کرد با دستگیری ۷۵ نفر از مخالفان حکومت خود موج گسترده‌ای از رعب و وحشت را در کوبا به راه انداخت. مخالفانی که هنوز و با وجود گذشت چندین سال در زندان‌های این کشور انتظار آزادی را می‌کشند. هنوز انگیزه فیدل کاسترو از وارد کردن چنین ضربه مهلکی به ساختار نوپای اصلاحات در کوبا مشخص نشده است. اما این اقدام و یک عضو لاینفک از ساختار قدرت وی را به همگان نشان داد: شاید جامعه کوبا در حال ازهم گسیختگی باشد اما قدرت مسلط بر این کشور همچنان سخت و غیرقابل انعطاف است.

■ اشغال عراق فرصتی برای کاسترو

درست در اولین روز اشغال عراق توسط نیروهای آمریکایی و متحدانش فیدل کاسترو موج گسترده‌ای از رعب و وحشت را در میان مخالفان خود به راه انداخت. دستگیری مخالفان حکومت کاسترو به همان آرامی و نرمش ساقط کردن حکومت صدام حسین رخ داد. درست سه هفته پس از این تاریخ مجسمه دوست قدیمی فیدل در پایتخت عراق پایین کشیده شد. در همین فاصله زمانی دادگاه رسیدگی به اتهامات آن ۷۵ نفر نیز تشکیل و احکام آنها صادر شد. تمامی متهمان که با اقدام علیه امنیت ملی محاکمه شدند حکم حبس از یک تا ۲۰ سال را دریافت کردند. درست چند روز پس از صدور حکم متهمان سه مردی که برای فرار از هاوانا اقدام به سرقت کرده بودند نیز محاکمه شدند. البته این گروه سه‌نفره حتی اندک شانسی هم برای امیدواری نداشتند. هر سه نفر به اعدام با جوخه مرگ محکوم شدند. این در حالی بود که در جریان فرار این افراد هیچ‌گونه خشونت یا درگیری کشنده‌ای رخ نداده بود. بازرسان کوبا همگی بر این مسئله توافق نظر دارند که سرکوب ناگهانی مخالفان توسط فیدل کاسترو آن هم در اولین روز حمله به عراق تنها به این دلیل رخ داد که فیدل کاسترو با توجه به جلب افکار عمومی به حوادث عراق از فرصت استفاده کرده و نقشه خود را در سکوت کامل بین‌المللی عملی کرد.

البته در خصوص انگیزه کاسترو از این اقدام اختلاف نظرهای متعددی وجود دارد. درست مانند سایر سلسله حوادث رخ داده در کوبا این بار نیز اقدام غافلگیرکننده فیدل کاسترو بازرسان و کارشناسان بین‌المللی را متعجب و زنجیره‌ای از انگیزه‌های احتمالی فیدل از این اقدام را ردیف کرد.

برخی کارشناسان مسائل بین‌المللی بر این باورند که اصلی‌ترین انگیزه فیدل کاسترو از این اقدام خودداری از نزدیکی روابط با ایالات متحده بوده است. روابطی که فیدل کاسترو تصور می‌کرد با توجه به اوضاع آن زمان دیر یا زود باید به روابطی حسنه تبدیل شود. بی‌شک فیدل کاسترو عمداً با این اقدام درصدد تخریب روند برقراری آشتی میان دو کشور بوده است.

البته طیف دیگری از کارشناسان بین‌المللی انگیزه‌ای کاملاً متفاوت را برای این سرکوب ناگهانی کاسترو مطرح می‌کنند. به عقیده این دسته، فرماندار کوبا با توجه به حمله ایالات متحده به عراق، حمله به کوبا را قریب‌الوقوع دیده و به همین دلیل مخالفان خود را که در زمان حمله نیروی خارجی تبدیل به دشمن می‌شوند از صحنه درگیری احتمالی حذف و روانه زندان کرده است.

کارشناسان همان‌گونه که به ارائه تعابیر متفاوت از این اقدام فیدل کاسترو می‌پردازند، عکس‌العمل‌های احتمالی ایالات متحده را نیز پیش‌بینی می‌کردند. بسیاری بر این باورند که تحریم اقتصادی دیگر اثر چندانی نخواهد داشت و دقیقاً به همین دلیل خواهان لغو تحریم‌های اقتصادی شدند. از سوی دیگر برخی با تحلیل‌های متفاوت از این حادثه خواهان ادامه این تحریم‌ها و سختگیری بیشتر بودند. این در حالی است که در داخل کوبا تحلیل‌هایی کاملاً متفاوت از دو مورد قبلی مطرح بود. بسیاری از سیاستمداران داخلی معتقد بودند که فیدل کاسترو قصد دارد برخی از مخالفان زندانی را در ازای آزادی پنج جاسوس اهل کوبا که در حال حاضر در حال گذراندن محکومیت طولانی‌مدت خود در ایالات متحده هستند، آزاد کند.

این در حالی است که تعبیر دیگری از این حوادث حاکی از نیت فیدل کاسترو برای ادامه ابدی جنگ با مخالفان داخلی است. به عقیده این دسته فیدل کاسترو برای دور کردن ذهن مردم از اوضاع بد اقتصادی توجه آنها را به خفقان سیاسی حاکم بر محیط داخل جلب می‌کند. البته نباید فراموش کرد که سوءمدیریت در واقع علت اصلی بحران اقتصادی کوبا است. به عنوان نمونه صنعت شکر در کوبا در حال سقوط کامل است. در سال جاری میزان تولید خالص این محصول نسبت به سال ۱۹۸۹، هشتاد درصد سقوط کرده است. در سال گذشته تنها نیمی از کارخانه‌های تولید شکر بسته شده و بیش از صدهزار نفر از کار بیکار شدند. از سوی دیگر صنعت توریسم نیز که یکی از منابع درآمد این کشور محسوب می‌شد پس از یازدهم سپتامبر با افت فاحشی روبه‌رو شد. در حال حاضر اوضاع بد اقتصادی آنچنان زندگی را بر مردم سخت کرده است که بسیاری تنها برای به دست آوردن لقمه‌ای برای خوردن تلاش می‌کنند.

از سوی دیگر به دنبال شعارهای دولت همچنان خدمات درمانی و آموزش در کوبا رایگان انجام می‌گیرد. البته نباید فراموش کرد که وضعیت بیمارستان‌ها در حد فوق‌العاده نیست و داروهای اساسی همچنان نوعی بحران محسوب می‌شوند. در هاوانا استفاده از سیستم حمل و نقل عمومی امری وقت‌گیر و تقریباً سخت است. تلفن‌های عمومی در اغلب اوقات خراب و سیستم آب و برق حتی برای برآورده کردن نیازهای روزمره مردم نیز با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو است.

■ تعبیر فیدل کاسترو

بی‌شک مستندترین تعبیر از حوادث اخیر کوبا تعبیر شخص فیدل کاسترو است. پس از دستگیری ۷۵ نفر به اتهام اقدام علیه امنیت ملی، دولت اعلامیه‌ای رسمی صادر و در آن انگیزه خود از این اقدام را این‌گونه بیان کرد: تعدادی از مخالفان حاکمیت که در راستای تخریب امنیت ملی کوبا فعالیت می‌کردند توسط نیروهای امنیتی دستگیر شده و به زودی محاکمه می‌شوند.

فیدل کاسترو از تشکیل دادگاه متهمان و صدور احکام آنها نیز به همین طرز گویش متوسل شده و مدعی شد که متهمان تحت فرمان مخالف قدیمی خود که به ظن وی از واشینگتن دستور می‌گیرد اقدام به تخریب امنیت کوبا کرده‌اند. نگرانی فیدل کاسترو از اقدامات ایالات متحده به هیچ‌وجه غیرقابل درک و نامعقول نیست چرا که هر دو کشور تاریخ مشترکی را تجربه می‌کنند. فیدل کاسترو در حال حاضر بیش از چهار دهه بر کرسی قدرت کوبا تکیه زده است. تنها ملکه الیزابت بود که بیش از وی در مسند قدرت باقی ماند. جورج بوش نیز دهمین ساکن کاخ سفید محسوب می‌شود که با سیاست‌های فیدل کاسترو مخالفت کرده و مقابل وی می‌ایستد. دستگیری و محاکمه گسترده مخالفان نیز به خوبی اثبات می‌کند که دیدگاه فیدل کاسترو نسبت به ایالات متحده و نگرانی وی از اقدامات این کشور هنوز پایان نیافته است. فیدل کاسترو در ماه مارس سال ۱۹۹۹ با تصویب «قانون شماره ۸۸» سیاست‌های ایالات متحده و اعمال تحریم علیه کوبا را محکوم کرد. فیدل کاسترو در دفاع از تصویب این قانون گفت: انقلاب کوبا با استفاده از ابزارهای لازم به حیات خود ادامه خواهد داد. این قانون نیز ابزاری است برای مبارزه با نیرنگ‌ها و توطئه‌های جدید و قدیمی برای سرکوب انقلاب. بسیاری از دستگیرشدگان نیز با استناد به همین «قانون شماره ۸۸» محکوم و روانه زندان شدند. در حال حاضر براساس قوانین امنیتی کوبا به زبان آوردن یا نوشتن هر کلمه‌ای که دستاویزی برای اعمال فشار از سوی واشینگتن بر هاوانا شود، قدغن و خلاف قانون است. تصویب این قانون توسط فیدل کاسترو نه تنها منجر به تقویت تحریم‌های اقتصادی علیه این کشور شد بلکه باعث اختصاص بودجه‌ای برای برقراری دموکراسی در کوبا از سوی ایالات متحده شد.

درست پس از تصویب این قانون بود که موسسه آمریکایی توسعه بین‌المللی مبلغ ۲۲ میلیون دلار را برای ترویج دموکراسی در کوبا و آماده‌سازی این کشور برای دوران پس از فیدل کاسترو اختصاص داد. در واقع زبان به کار گرفته شده در این قانون و نحوه برخورد دیپلمات‌های آمریکایی با آن سرد و منجر به وارد آمدن خسارت فراوانی بر فیدل کاسترو شد. جیفر کسیون که به عنوان رئیس بخش منافع ایالات متحده در هاوانا خدمت می‌کند در پاییز ۲۰۰۲ به هاوانا بازگشته و موضعی بسیار جسورانه‌تر از پیش در خصوص حوادث جاری در کوبا اتخاذ کرد. وی در گفت‌وگو با خبرنگاران خارجی صراحتاً اعلام کرد که فیدل کاسترو از آزادی بیان و حقوق بشر وحشت دارد.

حمایت بی‌قید و شرط ایالات متحده از سخنان نماینده خود در هاوانا بسیار فراتر از توان و تحمل فیدل کاسترو بود. شاید حمایت خالص را بتوان تحمل کرد اما اتخاذ چنین مواضع جسورانه‌ای به هیچ‌وجه قابل تحمل نیست. البته باید اندکی منصف بوده و پذیرفت که اقدامات ایالات متحده هم توطئه‌آمیز بوده است. به عنوان مثال ایالات متحده در زیمبابوه هم به مخالفان دولت کمک می‌کند اما این حمایت هرگز جنبه علنی نمی‌یابد.

در حالی که ایالات متحده می‌تواند برای دستیابی به اهداف خود در کوبا اندکی زیرکانه‌تر برخورد کند به نظر نمی‌رسد که مخالفان داخلی نیز توان اتخاذ چنین تدابیری را داشته باشند. برقراری دموکراسی آن هم به شیوه‌ای صلح‌آمیز و تدریجی در کشوری که دستگاه فکس در آن وجود نداشته و هزینه یک تماس با خارج از کشور برابر با یک ماه حقوق افراد است کار چندان ساده‌ای به نظر نمی‌رسد. استفاده از ماهواره در کوبا ممنوع و گوش دادن به رادیو خارجی به معنای اعلام مخالفت با حکومت است. بنابراین می‌توان حدس زد که اقدام ایالات متحده در فراهم کردن خدمات اینترنتی برای مخالفان دولت تا چه حد فیدل کاسترو را خشمگین کرده است. بسیاری از مردم که حتی هیچ مخالفتی با دولت هم نداشتند برای استفاده از این امکانات خود را به محل سابق سفارت آمریکا که تبدیل به کافی‌نت شده بود می‌رساندند. اینترنت در کوبا تبدیل به شیوه ممنوعه‌ای شده است که کارت دستیابی به آن تنها به توریست‌ها فروخته می‌شود.

فیدل کاسترو که قادر به بستن کافی‌نت یاد شده نبود اقدام به قفل یوزرهای آن کرد. متصدیان آن نیز در حال حاضر به جای دستیابی به اینترنت در اواخر هفته به دیدار با اعضای خانواده خود هر سه ماه یک بار بسنده می‌کنند.

کاسترو برای مبارزه با فعالیت افراد خارجی که به امید کمک به جامعه مدنی کوبا به این کشور وارد می‌شوند نیز روشی تقریباً یکسان اتخاذ کرده است. به عنوان نمونه یک خبرنگار آرژانتینی و یک سیاستمدار سوئدی به آرامی در خاک کوبا بازداشت و به کشورشان بازگردانده شدند. البته زمانی که چهره‌های شاخص سیاسی مانند جیمی کارتر به کوبا آمده و فعالیت‌هایی برخلاف میل کاسترو انجام می‌دهد و شخص رئیس جمهور قادر به برخورد با وی نیست او را رها کرده و به سراغ میزبانان وی در کوبا می‌رود.

■ حقیقت پشت درهای بسته

اقدام سرکوبگرانه فیدل کاسترو در دستگیری گسترده مخالفان، بسیاری از فعالان حقوق مدنی را برای چندین دهه از حضور در جامعه محروم کرد. از میان فعالانی که هنوز بازداشت نشده‌اند، بسیاری از آنها به دنبال چندین سال تلاش برای برقراری دموکراسی سرخورده شده و بسیاری نیز که به تازگی با اتمام دوران محکومیت طعم آزادی را می‌چشند علاقه چندانی به بازگشت به روزهای سخت مقاومت ندارند. برخی از این افراد با رسانه‌های داخلی و خارجی متعددی گفت‌وگو کرده‌اند اما تعداد انگشت‌شماری فعالیت‌های خود را از حد یک مصاحبه مطبوعاتی بیشتر کرده‌اند. اما آنها که هنوز روزهای خود را پشت میله‌های زندان شب می‌کنند از اقوام و مذاهب متعدد هستند، کاتولیک‌ها و فراماسون‌ها، روشنفکران و رعیت‌ها. برخی از مرز ۲۰ سالگی گذشته‌اند و عده‌ای ۶۰ سال از عمر خود را در راه برقراری دموکراسی گذرانده‌اند. کمتر از نیمی از زندانیان ساکن پایتخت هستند، این مسئله به خوبی بیانگر این حقیقت است که تنها ساکنان پایتخت به دنبال آزادی نیستند.

از نظر دولت مرکزی کوبا، تهدیدآمیزترین مخالفان بی‌شک روزنامه‌نگاران مستقل هستند. این روزنامه‌نگاران هم گزارشگران حرفه‌ای هستند و هم آن عده که تنها به سوژه‌های مورد علاقه خود می‌پردازند. اقتصاددان‌ها، مهندسان، رعیت‌ها، فیزیکدان‌ها، معلم‌ها و فعالان اتحادیه‌های تجاری نیز در زمره همین افراد قرار می‌گیرند. تاریخ روزنامه‌نگاری مستقل در کوبا به سال ۱۹۸۰ و پس از آن بازمی‌گردد، زمانی که ایستگاه‌های رادیویی واقع در میامی تماس‌های تلفنی خود با آزاداندیشانی را که ساکن کوبا بودند آغاز کردند. پس از آن در ۱۹۹۰ و زمانی که سیستم تماس مستقیم میان ایالات متحده و کوبا برقرار شد، تعدادی از روزنامه‌نگاران در میان هشت آژانس خبری تقسیم شدند. در طول ۱۰ سال گذشته بسیاری از این روزنامه‌نگاران جلای وطن کرده و به هدایت همکاران خود از دور مشغولند. فعالیت آن دسته از روزنامه‌نگارانی هم که در کوبا باقی مانده‌اند به کار در وب‌سایت‌هایی مانند کوبانت خلاصه شده است. البته نباید فراموش کرد که به دلیل ممنوعیت استفاده از اینترنت در کوبا اکثر خوانندگان این سایت‌ها را مهاجران یا کارشناسان مسائل کوبا که اسپانیایی هستند تشکیل می‌دهند. البته گردانندگان این سایت‌ها تمام تلاش خود را برای رساندن صدایشان به عامه مردم نیز به کار می‌گیرند. به عنوان نمونه در یک وب‌سایت مطرح که پایگاه فعالیت آنها در میامی واقع شده است سالانه یک بار گزارش خود را چاپ کرده و به دست عامه مردم می‌رسانند. درست پیش از این سرکوب مخالفان بود که صدها کوبایی روزنامه‌نگاری مستقل را تجربه می‌کردند. برخی از آنها به نوشتن سرمقاله و یادداشت پرداخته و تعداد بسیاری گزارش‌های ۳۰۰ تا ۴۰۰ کلمه‌ای تهیه می‌کردند. موضوع بیشتر این گزارش‌ها به مسائلی مانند نقض حقوق بشر، بیان فعالیت‌های انجام گرفته در راستای آزادی زندانیان سیاسی و بحران اقتصادی در کوبا اختصاص داشت. در کوبا این روزها کمتر از نیمی از این افراد باقی مانده و به فعالیت خود ادامه می‌دهند. رال ریورو که از مشهورترین شاعران و خبرنگار مستقل کوبا است، پس از تصویب قانون شماره ۸۸ در یکی از نوشته‌های خود شرایط فعلی در کوبا را این‌گونه بیان کرد: هیچ فرد و هیچ قانونی نمی‌تواند من را به دلیل پوشش اخبار دستگیری گسترده مخالفان یا قیمت محصولات غذایی اصلی در کوبا یا مصیبت مهاجرت سالانه بیش از ۲۰ هزار کوبایی به ایالات متحده، جنایتکار یا خائن به وطن بخواند. درست چندماه پس از این نوشته‌ها بود که دولت به این نتیجه رسید که رال ریورو برخلاف تصور خود یک جنایتکار بوده و باید در سن ۵۷ سالگی به ۲۰ سال حبس محکوم شود. به گفته هم‌دوره‌ای‌های رال، وی یکی از ۱۰ روشنفکری بوده که در سال ۱۹۹۱ نامه اعتراض‌آمیز به فیدل کاسترو را امضا کرد و البته تنها بازمانده از آن گروه ۱۰ نفره که باقی ماندن در وطن را به مهاجرت ترجیح داده است. در دادگاه رسیدگی به اتهامات رال ریورو دادستان ادعا کرد که وی به دستور ایالات متحده گروهی را برای مخالفت با حکومت ساماندهی کرده بود. در نهایت رال ریورو به اتهام انجام فعالیت‌های ضدحکومتی، نوشتن مقاله‌های ضدحکومتی و انتشار مجله ضدحکومتی و کار برای یک آژانس خبری ضدحکومتی گناهکار شناخته شد. ریورو آدم سرزنده و شادی است بنابراین حتماً زمانی که توصیفی که از وی در کیفرخواست آمده بود برایش خواندند، لبخندی بر لب آورده است. از نگاه دادستان او اغلب با افرادی ضد اجتماعی که هدفشان تاثیرگذاری منفی و مخرب بر مردم است همکاری داشته، ایده‌های مخرب و ناخوشایندی در مورد فرآیند انقلاب داشته، به احضارهای رسمی بی‌توجهی کرده، باعث تحریک افراد شده و به هنجارهای همزیستی اجتماعی احترام نمی‌گذارد. ریورو که به زبان روسی تکلم می‌کند از تحسین‌کنندگان و علاقه‌مندان به ادبیات شوروی است. او شعرهای زندانی کولاگ و یوزف براوسکی را می‌پسندد و خواننده آثار شاعر روسی آنا آخماتوا است. آخماتوا در سروده معروف خود به زیبایی توصیف می‌کند که چگونه هفده ماه در بیرون زندان لنینگراد در انتظار آزادی فرزند محبوبش لحظه‌شماری کرده است. اکنون ریورو خود شاعری است که به جرم نگاشتن حقیقت به کولاگ فرستاده شده است.

■ موضوعی داخلی

در جریان محاکمه ریورو، دو عامل مخفی علیه وی شهادت دادند. یکی از این عوامل که نام رمز وی «میگوئل» است رئیس سابق تعاونی روزنامه‌نگاران مستقل کوبا است. مامور دیگر که ۸۲ ساله است و به نام رمز «اوکتایو» خوانده می‌شود حداقل ۴۰ سال به عنوان عامل مخفی فعالیت کرده است. وی به گفته خود حداقل سابقه ده سال روزنامه‌نگاری دارد. این ادعا در صورت صحت لکه ننگی چه در تاریخ روزنامه‌نگاری کوبا و چه در تاریخ فعالیت‌های دستگاه‌های امنیتی این حکومت است.

با توجه به اینکه روزنامه‌نگاران مستقل کوبایی همگی با نام واقعی خود فعالیت می‌کنند چیز زیادی برای کشف کردن باقی نمانده است. بدین ترتیب عوامل مخفی فعالیت خود را معطوف به کشف هویت نویسندگانی می‌کنند که برای هر نوشته منتشر شده خود در اینترنت مبلغ ناچیزی در حد ۱۵ تا ۲۰ دلار دریافت می‌کنند. به‌رغم محدودیت عرصه فعالیت عوامل مخفی، آنها باز هم تاثیر مخرب خود را بر روند امور باقی می‌گذارند. برخی از این عوامل با نفوذ در گروه‌ها و جمع‌های مختلف عمداً سعی در ایجاد اختلاف و چندپاره کردن آنها دارند و دیگران با تاسیس انبوه موسسات ظاهراً مستقل عمداً باعث می‌شوند تا امکان تشخیص موسسات تاثیرگذار دشوار شده و در نهایت قدرت این موسسات واقعی به شدت کاهش یابد. این امر سرانجام به اعتبارزدایی از جامعه مدنی و نهادهای وابسته به آن منتهی می‌شود.

برای مثال عامل مخفی «تانیا» با تاسیس گروهی تحت عنوان «حزب حقوق بشر» عمداً چنان گروه اصلی را که تحت همین نام فعالیت می‌کرد تحت فشار قرار داد که آنها مجبور شدند عنوان «مرتبط با بنیاد آندره ساخاروف» را به نام خود افزوده و بدین ترتیب میان خود و این گروه تمایزی قائل شوند. جالب اینجاست که رئیس حزب حقوق بشر اصلی «ونه مونته د اوکا» در سال ۲۰۰۰ بازداشت و به زندان افکنده شده بود. جایگزین او، ایلیو لوی پاپرز هم که چندماه به این سمت منصوب شده بود از سال ۲۰۰۲ بدون تفهیم اتهامات در بازداشت به سر می‌برد. یکی از معدود روزنامه‌نگاران مستقلی که هنوز به زندان انداخته نشده است در مورد شرایط فعلی می‌گوید: گاهی اوقات تنها جایی که یک مرد با شرف را می‌توانید بیابید زندان است. اکنون نیز یکی از همان زمان‌ها است.

فشار دولت کوبا بر کمیسیون حقوق بشر و آشتی ملی به شدت موثر بوده است. این کمیسیون که نظارت بر وضعیت زندانیان سیاسی در کشور را بر عهده دارد اکنون دو تن از بازرسان اصلی خود را هم در بند می‌بیند. یکی از این زندانیان جدید مارچلو لوپز با اوبره است. او که ناخدای سابق کشتی است پس از آنکه دولت در سال ۱۹۹۴ کشتی حامل فراریان از این کشور را غرق کرد چنان به خشم آمد که تصمیم گرفت به کمیسیون ملحق شود. متن کیفرخواست صادره علیه وی بیشتر شبیه بیانیه نامزدی یک فعال حقوق بشری برای دریافت جایزه صلح نوبل بود. در این کیفرخواست آمده است: در حالی که بر نقض قوانین نظارت می‌کرد به خانواده‌های زندانیان پیشنهاد می‌کرد تا با سازمان‌های بین‌المللی تماس بگیرند باوبره در آخرین اقدام خود لیست ۷۵ زندانی سیاسی که در همان روزها توسط دولت دستگیر شده بودند را تهیه کرده و منتشر ساخت. او مطلقاً نمی‌دانست که یک روز بعد خود تبدیل به نفر هشتادو ششم آن لیست خواهد شد. او پس از محاکمه‌ای کوتاه به گذران ۱۵ سال حبس محکوم شده است. زندانی بعد اما مارچلو کانو رودریگوئز است. او دکتری است که اکنون به اتهام فعالیت‌های غیرمجاز در عرصه پزشکی به ۱۸ سال حبس محکوم شده است.

ادامه در صفحه ۹

نگاه

منت مردن در هشتاد سالگی

دکتر فریدون مجلسی*

ظاهراً فیدل کاسترو نیز به غروب خود نزدیک می‌شود. شاهد آن بوده‌ایم که هر کس لب به انتقاد از این چریک قدرتمدار پیر بگشاید، مریدانش ایراد خواهند گرفت که از آمار باسوادان کوبا خبر نداری. نمی‌دانی که در هر ده کوره‌ای بنگاه‌های بهداشتی گسترده است و به بیماران آسپرین می‌دهند! و با امپریالیسم مبارزه‌ای آشتی‌ناپذیر دارد و دیگر هیچ. گویی در کره جنوبی که با کوبا آغاز کرد اما با امپریالیسم مبارزه‌ای آشتی‌ناپذیر ندارد، مردم بی‌سوادند و از دکتر و دارو محروم. خواهند گفت کره جنوبی را آمریکایی‌ها به زور مرفه کرده‌اند. و ژاپن را؟ و تایوان را؟ و مالزی را؟ و آلمان غربی را در زمانی که هنوز از نیمه‌اش جدا بود؟ حامیان فیدل کاسترو فراموش می‌کنند که با این منطق ناگهان استالین را کنار می‌گذارند و آمریکای امپریالیست را عملاً حامی و موجب رفاه و عمران کشورهای دست نشانده‌اش معرفی می‌کنند. پس امپریالیسم و استعمار چه می‌شود؟ خوب است یا بد است؟ اجازه دهید مثال قیاسی کره جنوبی و کوبا را ادامه دهیم. در نیمه دوم دهه ۱۹۵۰ میلادی دو حکومت فاسد دست نشانده آمریکا در دو کشور تقریباً هم قد و اندازه و دارای منابع انسانی و اقتصادی و معدنی و صنعتی مشابه مستقر بودند. یکی رژیم فاسد و دست نشانده باتیستا در کوبا در نزدیک‌ترین فاصله به آمریکا و دیگری رژیم فاسد و دست نشانده سیگمان‌ری در کره جنوبی در دورترین فاصله به آمریکا. هر دو دچار عقب‌ماندگی و فساد رهبران خودکامه و فقر و فحشا. دست بر قضا شبه‌جزیره کره چندی پیش از آن در پی جنگی بزرگ به دو نیم شده و یک جمهوری توده‌ای مادام‌العمر در شمال و رژیم فاسد سیگمان‌ری در جنوب آن مستقر شده بود که این دو نیمه نیز از توازن ارضی و جمعیتی و منابع طبیعی و اقتصادی مشابه برخوردار بودند. چندی پس از آنکه جناب فیدل کاسترو جوان رژیم فاسد باتیستا را در کوبا سرنگون و رژیم تراز نوین مادام‌العمر خود را جایگزین آن کرد، در کره جنوبی نیز به دنبال یک شورش دانشجویی، ژنرال پارک چونگ هی رژیم خودکامه سیگمان‌ری را سرنگون کرد و راه دموکراسی و آزادی نسبی را گشود. در کره شمالی نیز رژیم تراز نوین کیم ایل سونگ به بقای مادام‌العمر خود تا دم مرگ ادامه داد و سرانجام بار سنگین قدرت را به فرزند نامدار و اندکی ژولیده خویش تحویل داد. اکنون کره شمالی گرسنه، بمب اتمی دارد و هیچ چیز دیگر ندارد، کره جنوبی سیر و مرفه بمب اتمی ندارد و همه چیز دارد و کوبا هنوز، یا دست‌کم تا پیش از اینکه فیدل کاسترو از پای افتد، هیچ‌کدام را ندارد و در عوض به سخنرانی‌های پایان‌ناپذیر خدایگانش گوش می‌دهد و اگر درز در باز بماند نخبگانش راه گریز در پیش می‌گیرند، به‌طوری که رئیس نابغه چند سال پیش برای خنثی کردن این گریز مغزها، داوطلبانه هر چه بی‌مغز و مجرم و جانی بود را به کشتی‌ها و قایق‌ها سوار و راهی فرار تشویق‌آمیز به سوی فلوریدا کرد، تا با این تدبیر طرف را ناچار به بستن راه فرار کند. در آنجا مردم همه سواد دارند تا فقط آنچه را جناب فیدل می‌فرماید بتوانند بخوانند. آسپرین هم دارند. در عوض نبود اتومبیل و حیات دنیوی محیط زیست را تمیزتر نگاه داشته است. نیشکر هنوز محور اقتصاد تک‌محصولی است و فحشا عامل جذب توریست‌های ویژه و کسب ارز است و اکنون که صحبت از جانشینی مطرح می‌شود، چرا رائول کاسترو ۷۵ ساله که قطعاً از نبوغ اخوی برخوردار است جانشین او نشود؟ مگر در کره شمالی هم کیم چونگ ایل نابغه جانشین پدر نشد؟ مگر علی‌اف جای علی‌اف ننشست و اسد به جای اسد؟ مگر مبارک هم به مبارکی همین خیال را ندارد؟ مگر نبوغ ریاست ارثی نیست؟ پس چرا کاسترو به جای کاسترو ننشیند؟ در واقع فساد اصلی و بزرگ قدرت است و بقای در قدرت. به همین دلیل است که نظام‌های جمهوری انتخاب مکرر یک شخص را در مقام ریاست جمهوری ممنوع می‌کنند تا زمانی که رئیس جمهور بداند که پس از پایان یک یا دو دوره باید به خانه خود بازگردد و مانند سایر مردم زندگی کند، انسانی مانند دیگران است. وگرنه برگزیده و متفاوت می‌شود و حالت الوهیت پیدا می‌کند، دارای دربار و هیبت سلطانی می‌شود. خودش که نابغه است هیچ، فرزند یا برادرش نیز طبعاً نابغه می‌شود. گویی در میان یک ملت طی چهل سال یا پنجاه سال حتی یک نفر یافت نمی‌شده است که جای او را بگیرد. یک زمان ۳۰ ساله است و به اعتبار جوان بودن و انرژی و شور انقلابی و غیره توجیه می‌شود، یک زمان که دیگر نفسش هم درنمی‌آید به اعتبار پیری و تجربه و نیاز ملت و گ